

غرب و پدیده ی خانواده های تک والدی

<"xml encoding="UTF-8?">

چکیده

یکی از مهمترین تغییرات در دو نسل گذشته ی جوامع غربی، پیرامون ازدواج و نهاد خانواده رخ داده است، به گونه ای که رشد فزاینده رخدادهایی نظیر افزایش طلاق، زندگی مشترک بدون ازدواج، تولد فرزندان نامشروع، روابط آزاد جنسی،.... تعداد و انواع خانواده های تک والدی را در پی بازتعریف خانواده افزایش داده است. روانشناسان و جامعه شناسان با گسترش چنین پدیده ای در غرب، اثرات زندگی در انواع خانواده های تک والد و خانواده های دو والد واقعی (مزدوج رسمی) را بر رفتار و وضعیت کودکان بررسی کرده اند. نتایج این تحقیقات تطبیقی حاکی از وجود اختلاف معنی دار در زمینه رشد شناختی، عاطفی، اجتماعی، تحصیلی، بهداشتی، جسمی و جنسی کودکان خانواده های تک والد با کودکان خانواده های دو والد واقعی است. در این نوشتار برخی از انواع خانواده های تک والد و نیز نتایج پاره ای از چنین تحقیقات تطبیقی ارائه شده است.

واژگان کلیدی:

خانواده واقعی، خانواده طبیعی، خانواده های تک والد، خانواده های دو والد، مادران مجرد، زندگی مشترک بدون ازدواج، طلاق، خانواده مادر سرپرست، والدین، پدران مجرد، غیبت پدر، خانواده سنتی.

در طی دو نسل گذشته بر تعداد بچه هایی که با هر دو والدین خود زندگی نمی کنند و همچنین تعداد بچه هایی که حاصل زندگی های بدون ازدواج هستند، افزوده شده است. در پی این تغییرات ساختاری در نهاد خانواده، تغییراتی نیز در سایر بخش های جامعه ایجاد شده است که حاصل تکه تکه شدن و از هم پاشیدگی خانواده در غرب است. ازدواج و خانواده در ایالات متحده آمریکا در دو نسل گذشته تغییراتی اساسی شامل کاهش ازدواج های رسمی، افزایش طلاق، زندگی مشترک بدون ازدواج و تولد فرزندان نامشروع و ... داشته است.

(www.americanalues.org)

در پی این تغییرات در ساختار و نظام خانواده، نوع جدیدی از خانواده، تحت عنوان خانواده تک والدی در بسیاری از جوامع به ویژه جوامع صنعتی پدیدار شده است که فرزند یا فرزندان در این خانواده ها با یکی از والدین خود زندگی می کنند. این نوع خانواده همچنین نتیجه روابط جنسی آزاد و بارداری خارج از قالب ازدواج می باشد. فرزندانی که بدین گونه متولد می شوند، نسبت بالایی را به خود اختصاص داده اند. محققان بیان می کنند جوامع صنعتی به لحاظ ساختار خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، بیش از جوامع غیر صنعتی با این مشکل مواجه هستند. بر اساس تحقیقات، در سال 1994-1995، حدود 22 درصد از کودکان انگلیسی، در خانواده های تک والدی به سر می بردند. این درحالی است که در سال 1972 این شاخص حدود 7 درصد بوده است. در سال 1970 تعداد خانواده های تک والد دارای فرزندان زیر 18 سال، بالغ بر 8/3 میلیون خانواده بود که تا سال 1990

این تعداد به بیش از دو برابر یعنی 7/9 میلیون خانواده رسید. در واقع برای نخستین بار در طول تاریخ، تعداد خانواده های تک والدی ناشی از فوت یکی از والدین، از سایر انواع خانواده های تک والدی کمتر شد و تعداد کودکان خانواده های تک والدی ناشی از طلاق والدین و مادران مجرد بیشتر گردید؛ به طوری که 4/1 کودکان خانواده های تک والد، از میان مادران ازدواج نکرده و دختران نوجوان بودند و 40 درصد دیگر از بچه های زیر هجده سال، تجربه اضمحلال خانواده را داشتند. (www.hec.ohio-state.edu)

تعریف و انواع خانواده های تک والدی

از دیرباز مفهوم خانواده متشکل از زن و مردی بوده که با ازدواج رسمی دارای فرزند یا فرزندی بوده اند. در برابر این نوع از خانواده، گاه خانواده ای نیز ایجاد می شود که یکی از والدین، فوت شده یا طلاق رخ داده و فرزند یا فرزندان، در خانواده های ناقص یا تک والدی زندگی می کنند. امروزه انواع مختلفی از خانواده های تک والدی در غرب ایجاد شده است اما در این نوشتار خانواده تک والدی ناشی از طلاق، فوت و بارداری خارج از چارچوب خانواده (والدین مجرد) بحث شده است.

خانواده های تک والد و اثرات آن بر کودکان

- اثرات اقتصادی

اکثر تحقیقاتی که در موضوع خانواده های تک والدی است، بر تأثیرات منفی عدم حضور پدر تأکید می کند و بیشتر در مورد پیامدهای منفی وضعیت نامطلوب اقتصادی بر روی کودکانی است که دور از پدرشان زندگی می کنند. این تحقیقات تأکید می کند که باید مطالعات تطبیقی در مورد تأثیر زندگی فقیرانه بر روی خانواده های تک والد و خانواده های دو والد انجام شود. پژوهشگران معتقدند که زیان فقدان پدر در خانواده های تک والدی که زن سرپرست آن است، تنها از دست دادن درآمد مرد نیست. پدرانی که همسرشان را طلاق داده اند، از تأمین معاش فرزندان خود دست می کشند و مادران را وامی دارند تا تمام بار مالی خانواده، اعم از خود و فرزندان را برعهده بگیرند، در نتیجه فشار اقتصادی باعث می شود که این مادران فرصت کمتری برای مراقبت از کودکان خود داشته باشند. (Sylia Ann Hewlitt, 1986)

اغلب کودکانی که در خانواده های مادر سرپرست زندگی می کنند، ناگزیرند که به لحاظ عدم حضور پدر، با چالش های مالی و درگیری های آن مواجه شوند. این گونه کودکان (به ویژه کودکان طلاق)، غالباً اُفت از زندگی نرمال و استاندارد یا درگیری با فقر شدید را (خصوصاً کودکان غیر سفید پوست) تجربه می کنند. آنها اغلب از قدرت بیان

ضعیف، دسترسی محدود به تحصیلات و بارداری زودرس رنج می برند، این شرایط نتیجه فقدان درآمد کافی و همچنین عدم حضور پدر در خانواده است. (www.ncoff.gse.upen.edu)

مک لوید [1] (1990) علت وجود شرایط نامناسب زندگی را در بین خانواده های تک والدی (مادر سرپرست) بدان جهت می داند که نان آور جدید خانواده، با تبعیض نژادی و یا تبعیض جنسیتی روبرو است که موجب عدم اشتغال تمام وقت یا بیکاری وی می شود. مادران خانواده های تک والد در آمریکا، از بالاترین درجه تنگدستی رنج می برند و مادران مجرد آفریقایی- آمریکایی دو برابر مادران مجرد سفیدپوست، فقیر هستند. (Ibid)

مطابق آمار، تقریباً 60 درصد از کودکان آمریکایی در خانواده هایی زندگی می کنند که فقط مادران در آن حضور دارند؛ همین موضوع سبب درگیری آنها با فقر است، در حالی که فقط 11 درصد از خانواده های دو والد واقعی در فقر بسر می برند، جالب آن که میزان فقر در خانواده های تک والدی آفریقایی- آمریکایی بالاتر است، به حدی که از هر 3 کودک خانواده های تک والد، 2 کودک در فقر مطلق بسر می برد و معضلات اقتصادی یکی از مهمترین مشکلات و پریشانی های یک والد تنهاست. فشارهای دیرینه ناشی از فقر، به همراه حجم بالای وظایفی که مدام اضافه می شود، موجب آسیب پذیری و استرس در زندگی جدید می گردد. مادران مجرد، غالباً سیکلی از ناامیدی و یأس را برای خود و فرزندانشان تجربه می کنند. (www.hec.ohio-state.edu) آنها غالباً بسیار جوان و بی تجربه هستند و معمولاً فرصت و شانس کافی نداشته اند تا تحصیلات معمولی و رسمی خود را کامل کنند. این مادران به جهت نداشتن مهارت های شغلی کافی، بیشتر احتمال دارد که در فقر بسر برند و در مشاغل کم درآمد مشغول به کار شوند. (www.watchtower.org/library)

اشتغال به کار در خارج از خانه به جهت غیبت پدر، مشکلات بیشتری را به لحاظ امنیت و مراقبت از کودک به دنبال دارد. افزایش سه برابری چنین خانواده هایی در انگلستان در طی 20 سال اخیر، حاکی از بحران خانواده، مشکلات نسل جدید، بدتر شدن وضعیت کودکان و نظایر آنها می باشد. این بحران در قرن 21 در حال نفوذ و رسوخ به سایر جوامع می باشد. (Ibid)

- اثرات تربیتی

زمانی که سرپرست خانواده، مجرد، فقیر و شاغل است، غالباً برای انتخاب میان کیفیت تربیت کودکان دچار مشکل می شود. اغلب مشاغلی که درآمد کافی دارند، مستلزم صرف وقت به مدت طولانی و یا صرف ساعات غیر معمول برای کار هستند و این شرایط، برای اکثر والدین تنها، بدین معناست که آنها به عنوان سرپرست خانواده، کمتر می توانند از تجربیات و آموزش های تربیتی بهره گیرند، زیرا به میزان طولانی کار می کنند و یا از بچه های زیادی مراقبت می نمایند. (Ibid)

مادرانی که به تازگی بیوه شده اند، ضمن اینکه برای فقدان شریک و یار زندگی خود بسیار غمگین هستند، مجبورند وظائف و مسئولیت های خانه داری را نیز انجام دهند. این تعدیل و تنظیم وظائف ممکن است ماهها و یا سال ها طول بکشد تا اینکه آنان بتوانند از عهده مشکلات اقتصادی خویش برآیند و همچنین همزمان نقش دلداری و تسلی بخشیدن به فرزندان را ایفا کنند.

مادران مجرد نیز، بدون حمایت بستگان مخصوصاً والدین خود، مسئولیت بیشتری در تهیه مهدکودک مناسب

برای کودکان خود دارند. آنها همچنین مشکلاتی را در تحمل فشارهای احساساتی از قبیل شرمندگی و تنهایی دارند. بعضی از آنان حضور فرزند را مانع یافتن همسر مناسب می دانند. البته کودکان نیز هر چقدر که بزرگتر می شوند، با سؤالاتی در مورد سرگذشت خود و نیازشان به حضور پدر، مادران را به ستوه می آورند. (www.watchtower.org/library)

پروفسور دیوید پاپ نو [2] از دانشگاه رات گرز [3] (امریکا) در طی سه دهه کار به عنوان متخصص علوم اجتماعی، بیان می کند که اکنون عوامل کمی را به عنوان سایر مدارک در کنار این امر مسلم و بدیهی می داند که داشتن خانواده ای با پدر و مادر اصلی، بهترین حالت زندگی برای کودکان است و خانواده تک والدی و خانواده هایی که پدر یا مادرخوانده دارند، حالت مناسبی نیست. اگر دیدگاههای کنونی درباره ساختار خانواده، فقط منوط بر دلائل و مدارک علمی باشد، آنگاه منازعه دیدگاههای رایج در جامعه، درباره خانواده، نمی تواند در مرحله نخست قرار گیرد. در حقیقت مدارک به طور صریح بیان می کند که «خانواده سنتی (دو والد مزدوج رسمی)» نه فقط «تنها واحد با دوام جامعه» می باشد، بلکه بادوام ترین واحد است. مهمترین شواهد، تحقیقاتی است که در کشور سوئد انجام شده است. یک گروه به عنوان نمونه، شامل بیش از 65 هزار کودک با خانواده تک والد و یک گروه حدود یک میلیون کودک با خانواده دو والد واقعی، در طول یک دهه مورد مطالعه قرار گرفتند، این تحقیقات نشان داد علیرغم آنکه تعداد این دو گروه نامساوی بود، لیکن میزان انجام رفتارهای بسیار بد، در بین فرزندان خانواده های تک والدی، از فرزندان گروه دوم بیشتر است. همچنین افزایش میزان بروز بیماری های روانی، خودکشی یا اقدام به خودکشی، آسیب رسانی و اعتیاد در بین کودکان خانواده های تک والدی بیشتر است. (www.family.org)

مک لاناها و سندفور [4] (1994) دریافتند که میزان بیکاری جوانی که در خانواده تک والدی رشد کرده، بیشتر از جوانی است که در خانواده دو والدینی بزرگ شده است.

همچنین فرزندانی که از میان خانواده های تک والدی هستند، بیشتر از دیگران تمایل دارند که در سنین بین 13 تا 19 سالگی (با ازدواج و یا بدون ازدواج) در موقعیت پدر یا مادری باشند و این میزان تقریباً برای دخترانی که پس از سال 1935 در خانواده تک والدی به دنیا آمده اند، دو برابر است.

مک لاناها و بیومپس [5] (1988) بیان داشتند که اغلب دختران خانواده های تک والدی (به ویژه خانواده های مادر سرپرست) تمایل دارند که زودتر ازدواج کنند و هر چه زودتر بچه دار شوند، همچنین احتمال طلاق، ازدواج مجدد و زایمان خارج از چارچوب ازدواج در بین آنها بیشتر است. این تأثیرات بر روی دختران سفید پوست بیشتر می باشد.

مک لاناها و سندفور (1994) در یک پژوهش علمی دو گروه از دانش آموزان سال دوم تحصیلی را از بین خانواده های از هم پاشیده و خانواده های دارای دو والد مقایسه کردند. آنها دریافتند دانش آموزانی که در خانواده های ناپایدار زندگی می کنند، نسبت به دانش آموزانی که با پدر و مادر خود زندگی می کنند، از سطح بسیار زیاد مشارکت والدین در صحبت کردن و نظارت بر امور برخوردارند. گرچه نتایج مقایسه، در مدت زمان کوتاه (سال دوم دبیرستان) ممکن است گمراه کننده به نظر برسد، اما طلاق در این سن بحرانی، می تواند اثرات مادام العمری داشته باشد.

محققان در این تحقیق دریافتند که قصور در انجام وظایف والدینی نظیر مشارکت و رسیدگی ضعیف به امور کودکان در خانواده های تک والدی، این نتایج را دربردارد:

50 درصد احتمال مردودی در مدرسه (که این میزان با کنترل والدین بر امور تحصیلی فرزندان بین 3-6 درصد است)

20 درصد احتمال بارداری و داشتن فرزند در سنین 13 تا 18 سالگی (که این میزان با کنترل والدین بین 4-5 درصد است)

100 درصد احتمال اخراج از مدرسه یا محل کار (که این میزان با کنترل بین 0-3 درصد است) (www.poerty.smartlibrary.org)

تحقیقات بسیار زیاد سال های اخیر در مورد خانواده های تک والدی (به ویژه مادران مجرد و خانواده های طلاق) نشان می دهد که اثرات این پدیده می تواند بسیار پایدار و مدت دار باشد. پس از تعدیل سایر عوامل و متغیرها مشخص گردید بچه هایی که تنها با یک والد زندگی می کنند، نسبت به بچه هایی که با دو والد زندگی می کنند، دو برابر بیشتر مبتلا به بیماری های روحی و روانی هستند. آنها همچنین در مورد احتمال خودکشی و بیماری های مربوط به مشروبات الکلی دو برابر بیشتر در معرض خطر هستند. خطر ابتلا به استفاده از مواد مخدر در بین دختران خانواده های تک والد، سه برابر پسران در این خانواده ها است. پسران در خانواده های تک والدی نسبت به دختران بیشتر در معرض مشکلات روحی- روانی و مسائل مربوط به مواد مخدر هستند، همچنین به دلایل مختلف، مرگ و میر در ایشان بیشتر است. دکتر بروس کویلاند [6]، یک روانشناس کودک در «بتسدا» [7] می گوید: «بسیاری از مسائل مربوط به مشروبات الکلی و مواد مخدر در میان خانواده های تک والدی، بدین سبب است که سطح نظارت و رسیدگی به این کودکان نسبت به دیگران بسیار کمتر است. معمولاً والدین مجرد به جهت فقدان پشتیبان و حامی برای ادامه حیات خود و خانواده خود، غرق در کار و تلاش هستند. این وضعیت موجب می شود که مراقبت و نظارت کمتری بر کودکان خود داشته باشند.» (Discoer health: Health Scout News)

والدین مجرد نسبت به والدینی که هر دو با هم مسئولیت خانواده را بر عهده دارند معمولاً فرصت کمتری را برای پرداختن به هرکدام از بچه های خود دارند. گاهی اوقات یک والد مجرد، با یک شریک جنسی زندگی می کند که همسر او نیست. این نوع زندگی از پایداری و ثبات کمتری برخوردار است. بچه هایی که در چنین خانواده هایی رشد می کنند، در زندگیشان بیشتر از دیگران در حالت چرخشی نسبت به سرپرستی توسط بزرگسالان هستند. (www.family.org)

- اثرات رفتاری

محققان معتقدند عدم حضور پدر، اثرات متفاوتی را بر روی دختران و پسران دارد. هنگامی که پدر خانواده حضور ندارد، پسران تمایل بیشتری دارند که قواعد و قالب های اجتماعی را نقض کنند. عدم حضور پدر، پایداری احساسی دختران را به مبارزه می طلبد، اما به نظر می رسد که ظاهر رفتار دختران را در مدرسه تحت تأثیر قرار نمی دهد.

اکثر تحقیقات، در مورد اثرات عدم حضور پدر در انجام کارهای خردمندانه و عاقلانه کودکان است. تعدادی از مطالعات نشان می دهد که کودکان در خانواده هایی که پدر در آن حضور ندارد، از هوش (IQ) پایین تری

برخورد دارند، همچنین بیان و گفتار آنها در سطح پائینی می باشد. مطابق نظر مات [8] (1994) تأثیر عدم حضور پدر بر تکلم و نوع بیان دختران نسبت به پسران بیشتر است. بیان عاقلانه اغلب پسران با عدم حضور پدر صدمه می بیند. متغیرهای واسطه ای دیگر، نظیر استراتژی و نحوه برخورد والدین و فرزندان می تواند این تفاوت ها را بیشتر و بهتر تبیین کند. مطالعات آسیب شناسی روانی بر روی کودکانی که با غیبت پدر مواجهند، نشان می دهد که این کودکان نسبت به کودکانی که پدر در خانه آنها حضور دارد، بیشتر در معرض ناهنجاری های احساسی و افسردگی هستند.

اکثریت تحقیقات، اثرات عدم حضور پدر را بر رشد هویت مردانگی، موفقیت در مدرسه و شجاعت اجتماعی تأیید می کند، زیرا این ویژگی ها در موفقیت فرد در زندگی بزرگسالی و اجرای کامل نقش یک مرد به عنوان تأمین کننده اقتصاد خانواده مؤثر است. محققان در دهه 70-1960 دریافتند پسرانی که در خانواده های بدون حضور پدر زندگی می کنند، کمتر حالت مردانه دارند و بیشتر حالت زنانه به خود می گیرند. همچنین این پسران نسبت به پسرانی که پدرشان در خانواده حضور دارد، بیشتر مستعد همجنس گرایی هستند. تحقیقات بعدی به طور دائم این نتایج را تأیید نمود.

بیلر [9] (1974) بیان می کند که پرخاشگری پسران در خانواده های بدون پدر بیشتر است و علت آن ناتوانی مادر به عنوان سرپرست خانواده در پرورش حالات مردانه در پسران است. براد [10] (1990) امر کردن بیش از حد پسران را موجب ایجاد حالت پرخاشگری در آنها می داند. به اعتقاد وی حضور پدران موجب کاهش تمایلات پرخاشگری در پسران می شود و لذا به نظر می رسد پرخاشگری نتیجه غیرمستقیم ارتباط ناهمگون و ناسازگار پسر با پدر می باشد. (www.ncoff.gse.upenn.edu)

مطالعات جدید در دانشگاه کورنل [11] بر روی کودکان نژادهای مختلف نشان داده است که در یک خانواده تک والدی که مادر در آن حضور دارد، در مقایسه با خانواده تک والدی با حضور پدر، اثرات منفی بر روی رفتار، بیان و گفتار کودک، کمتر است. هنری، ریس کیوتی [12] محقق این دانشگاه معتقد است که آنچه در این مطالعات بیشتر مورد نظر قرار گرفته است، سطح معلومات و توانایی مادر و در مرحله پایین تر، کیفیت درآمد خانواده می باشد. به اعتقاد وی بین وجود نشانه های مادری و رفتار و بیان و عملکرد کودکان (سفید یا سیاه) در مدرسه، ارتباط قوی وجود دارد. (Cornel News, May 6, 2004)

تحقیقات نشان می دهد که کودکان خانواده های تک والدی در مقایسه با کودکان دارای دو والد، سازگاری کمتری دارند. کودکانی که به وسیله یک والد بزرگ شده اند، با اشکالاتی نظیر پایین بودن طبقه اجتماعی، مسکن نامناسب و شرایط سخت اقتصادی مواجه هستند. [13]

مشکلات رفتاری در بین کودکانی که والدینشان طلاق گرفته یا جدا شده اند، نسبت به کودکانی که والد آنها فوت شده است، به میزان بیشتری مشاهده می شود. تحقیقات استرالیا با ارائه نمونه های کافی نشان داده است که طلاق، خطری بزرگ برای گستره وسیعی از اجتماع است، همچنین طلاق والدین، عامل ایجاد مشکلات روحی در بین جوانان و بروز مشکلاتی نظیر عدم دستیابی کافی به تحصیلات، اعتماد به نفس ضعیف، اضطراب های روحی، ارتکاب به جرم و یا تکرار جرم، استعمال مواد مخدر و ارتکاب به تجاوز، زودرسی در حالات جنسی، ارتکاب جرائم بزرگسالانه، افسردگی و اقدام به خودکشی است.

مک لاناها و سندفور (1993) معتقدند که کودکان خانواده های تک والد، نمی توانند کارهای خود را به همان خوبی بچه های دو والد انجام دهند. این مطلب، نتیجه 10 سال مطالعه آنان می باشد. به اعتقاد آنها کودکانی

که در خانه ای با حضور یک والد بزرگ می شوند، نسبت به کودکان خانواده هر دو والد واقعی، در شرایط نامساعد و نامطلوب تری قرار دارند، البته این امر، بدون درنظرگرفتن زمینه تحصیلات و آگاهی والدین و نژاد آنها و زمان تولد کودک و زوج هم بودن والدین در زمان تولد کودک می باشد. آنان استدلال می کنند که خانواده های تک والد، علاوه بر کمی درآمد و زندگی در یک جامعه و محیط ناخوشایند، زمان کمتری را برای شنیدن، خواندن و کمک به کودک در امور تحصیلی صرف می کنند. همچنین نظارت آنها بر فعالیت های اجتماعی کودکان در خارج از مدرسه بسیار کم است. (www.family.org)

این محققان دریافته اند که بچه ها در خانواده های تک والدی نسبت به خانواده های دو والدی زمان کمتری را با مادر خود می گذارند. البته اختلاف میان میزان ساعاتی که خانواده های مادرسرپرست و خانواده های دو والد برای کارهایی مانند مطالعه و غذا خوردن صرف می کنند، ناچیز و لیکن بسیار پراهمیت است. مادرانی که ازدواج مجدد نموده اند و مادرانی که با دوست پسر خود زندگی می کنند، کمترین وقت را صرف کودکان خود می نمایند و بدیهی است که ناپدری ها نیز برای گرفتن وقت مادر با کودکان رقابت می کنند. مادران مجرد نسبت به مادران خانواده دو والدی، کنترل کمتری روی فرزندان خود دارند. (www.poerty.smartlibrary.org)

- اثرات آموزشی

جیمز و ویلسون (2002) معتقدند کودکانی که با یکی از والدین خود زندگی می کنند، دو برابر بچه هایی که با هر دو زندگی می کنند، از مدرسه اخراج می شوند. پسرهایی که با یکی از والدین زندگی می کنند، بیشتر از آنهایی که با هر دو زندگی می کنند، هم از مدرسه و هم از محل کار اخراج می شوند. دخترهایی که با یکی از والدین زندگی می کنند، دو برابر آنهایی که با هر دو زندگی می کنند، به طور نامشروع باردار می شوند. (James, Q. Wilson, 2002)

کودکانی که فقط با مادرشان زندگی می کنند و با فقر و غیبت پدر مواجهند، بیش از بچه هایی که پدر و مادر در کنارشان هستند، مورد تجاوز قرار می گیرند، افت تحصیلی دارند، از مدرسه اخراج می شوند، دست به بزهکاری کودکانه می زنند، مواد مخدر مصرف می کنند و مرتکب جرائم بزرگسالان می شوند. لذا سلامت جسمی و روانی کودک در معرض خطر است و رفتن کودک به مدرسه و بازگشت وی از آن، به یک ماجرای پردردسر تبدیل شده است. فقر و غیبت پدر، چنین تأثیراتی را بر زندگی کودک می گذارد. (Ibid)

مک لاناها و سندفور در کتاب «بزرگ شدن با یک والد مجرد» [14] تلاش نمودند تا اثرات بزرگ شدن در خانواده تک والدی را در مقولاتی مانند موفقیت در مدرسه، سطح فعالیت شغلی و اجتناب از قرارگیری در موقعیت والدینی (بارداری و زایمان در سنین 13 تا 18 سال) بررسی کنند.

طبق تحقیق مک لاناها و سندفور، کودکان تک والد، دو برابر بیشتر از بچه هایی که در خانواده های دو والدینی زندگی می کنند، در دبیرستان مردود می شوند. 3/1 درصد از کل دانش آموزانی که در آمریکا در دوره دبیرستان مردود می شوند، به دلیل از هم پاشیدگی خانواده می باشد. (حدود 6 درصد از 19 درصد کسانی که از درس افتاده اند خانواده از هم پاشیده دارند) (www.poerty.smartlibrary.org)

دانش آموزان دوره دبیرستانی که خانواده تک والدی دارند، نسبت به دانش آموزانی که در یک خانواده هسته ای زندگی می کنند، در امتحانات، نمراتی پایین تر از حد متعارف کسب می کنند، معدل پایین تری دارند و میزان شرکت آنها در کارهای مدرسه نیز در این گروه از دانش آموزان کمتر است. این دو جامعه شناس پس از بررسی موارد اختلاف در نمرات آزمون ها دریافتند که فرزندان خانواده های تک والد هنوز به گرفتن بدترین نمرات در معدل نهایی ادامه می دهند و همچنین در مورد شرکت در امور گروهی نیز در سطح پایین تری قرار دارند. به اعتقاد مک لاناها و سندفور، خانواده های تک والدی با پایین نگاهداشتن استعداد و انگیزه تحصیل در فرزندان، آسیب های زیادی را بر آنان وارد می کنند. آنان دریافته اند که رشد کودک در یک خانواده تک والدی، شانس ورود به دانشگاه را تا حدود 6 درصد کاهش می دهد. همچنین فرزندی که در خانواده تک والدی بزرگ می شوند، احتمال فارغ التحصیلی آنها بسیار کمتر از فرزندی است که در خانواده دو والدینی بزرگ می شوند. (Ibid)

- اثرات بهداشتی (جسمی و جنسی)

نتایج تحقیقات نشان می دهد که فرزندان خانواده های تک والد و دو والد در رشد روانی، رفتارهای اجتماعی و هویت جنسی متفاوت هستند. البته متغیرهایی نظیر سطح درآمد و طبقه اقتصادی- اجتماعی در نتایج مؤثر است. به طور نمونه در شرایط برابری این متغیرها، بین رشد ذهنی، موفقیت علمی و رفتاری و هویت جنسی کودکان خانواده تک والدی و خانواده دو والدی تفاوت کمتری مشاهده می شود. (Casion, & et al, 1982)

مطابق نظر محققان دانشگاه واندربیل [15] رابطه اعضای خانواده به ویژه پدر با دختر بر روی سنی که دختر به بلوغ می رسد، بسیار مؤثر است. دخترانی که رابطه تنگاتنگی با والدین خود دارند و به شدت از سوی آنان حمایت می شوند، دیرتر به بلوغ و رشد می رسند و دخترانی که در محیط ارتباطی سرد و دارای فاصله ارتباطی با والدین خود هستند، در سن پایین تری به بلوغ می رسند. در واقع دخترانی که در طی 5 سال اول زندگی خود، رابطه تنگاتنگ و مثبتی را با والدین خود داشتند، نسبت به دخترانی که روابط سرد با والدین خود داشتند، دیرتر به بلوغ می رسند. محققان دریافتند که کیفیت برخورد و رفتار پدران با دختران، مهمترین نشانه زمان بندی بلوغ دختران است. پدر دخترانی که دیرتر به بلوغ می رسند؛ معمولاً در رشد و تربیت دختران، همکاری و مشارکت بسیار دارند و پشتیبان و حامی همسر خود (مادر دختر) بوده اند، اما در سنین رشد دختران، ارتباط پدر با دختر بیش از ارتباط دختر با مادر می تواند مؤثر باشد. محققان معتقدند که دختران، ناآگاهانه زمان بلوغ خود را بر اساس رفتار پدرشان تنظیم می کنند. دخترانی که در خانه های بدون حضور پدر و یا با ناپدری زندگی می کنند، زودتر از دیگران به بلوغ می رسند. محققان بر اساس تئوری های مختلف، علل چنین اتفاقی را تبیین می کنند. آنان بر مبنای نظریات بیولوژیکی بیان می کنند دخترانی که پدرشان در خانه حضور ندارد، ممکن است به وسیله مردان بالغ دیگر، نظیر ناپدری و یا دوستان پسر مادرشان مورد تعرض قرار گیرند و مواجهه زود هنگام آنها با عوامل تحریک جنسی، در ارتباط با مردانی که با آنها مرتبط نیستند، موجب رشد بلوغ زنانگی در آنها می شود. (www.anderbilt.edu/News)

مطابق برخی مطالعات، «فرزندان خانواده های تک والدی نسبت به خانواده های دست نخورده و سالم، از

سلامت و بهداشت کمتری برخوردارند». وی تافت [16] معتقد است که خانواده های تک والد معمولاً ثروت پایینی دارند. از سوی دیگر وضعیت نامطلوب اقتصادی به معنای پایین بودن سطح بهداشت است. اما تحلیل ها و بررسی های دقیق تر نشان می دهد که احتمالاً فقدان درآمد، مهمترین عامل تفاوت های میان این کودکان است. البته این امر بدان معنا نیست که تمام کودکان خانواده های تک والدی، محکوم به شکست هستند، بلکه گاهی با راهنمایی های لازم و آموزش آسان نیز می توانند به اثرات منفی فائق آیند! (www.watchtower.org/library) نویسندگانی که در «لان ست» [17] مطالب علمی خود را ارائه داده اند، این گونه نتیجه گیری کردند که بزرگ شدن در یک خانواده تک والدی، عواقب نامساعدی را برای سلامت کودک خواهد داشت. به خاطر داشته باشید که سوئد یکی از کشورهایی است که از بالاترین و عالی ترین سطح رفاه اجتماعی در دنیا برخوردار است. اما در همین کشور نیز علیرغم وجود شبکه فراگیر رفاه اجتماعی، فرزندان خانواده تک والدی در رنج و سختی به سر می برند. بر اساس مطالعات ویلیام گلستون [18] از دانشگاه مریلند [19] ساختار خانواده عامل مستقلى است که بر روی آسایش و سلامت کودکان مؤثر است. حتی با وجود وضعیت مناسب درآمد خانواده، تحصیلات والدین و پیشینه خانوادگی، کودکان خانواده های تک والد برای رسیدن به مرحله بزرگسالی با مشکلات زیادی مواجه هستند. (www.family.org)

مستندات آماری

مستندات آماری این بخش حاصل سالها تحقیق در زمینه بررسی اثرات زندگی کودکان در انواع خانواده ها در طی سال های اخیر می باشد. [20]

دفتر آمار آمریکا [21] گزارش داد که در سال 2000 حدود 12 میلیون خانواده تک والدی وجود دارد. در بین سال های 1970-2000 تعداد مادران مجرد از 3 میلیون به 10 میلیون افزایش یافته است، در حالی که تعداد پدران مجرد از 393 هزار نفر به دو میلیون نفر گسترش یافت. این در حالی است که مادران مجرد و بچه هایی که به آنها وابسته اند، بالاترین میزان فقر را در بین انواع خانواده ها به خود اختصاص داده اند. (Olson, S.L, & Banyard, 1993) محققان دریافته اند که 90 درصد از خانواده های تک والدی به وسیله زنان سرپرستی می شوند. (www.hec.ohio-state.edu)

در سال 1960 تعداد کسانی که در آمریکا بدون ازدواج رسمی، با یکدیگر زندگی مشترک داشتند، 439000 نفر بودند که در سال 1998 به 4.280.000 نفر (10 برابر) رسیده است. در دهه 1990 تعداد خانواده هایی که زن و مرد بدون ازدواج با یکدیگر زندگی می کردند، 50 درصد افزایش یافته است. (Robert, T. Michael et al, 1994) مطالعات مرکز آمار نشان می دهد که ایالات متحده آمریکا بالاترین درصد خانواده های تک والد را در جهان صنعتی دارد. در مراتب بعدی به ترتیب سوئد، کانادا، آلمان غربی، انگلستان، استرالیا و فرانسه است. همچنین آمریکا از نظر وقوع طلاق، بالاترین میزان را در میان کشورهای غربی دارد. در ردیف های بعد، دانمارک، سوئد، کانادا، انگلستان، آلمان و فرانسه می باشند. (McLanahan, S, Sandefur, G, 1994)

نمودار (1): میزان نوجوانان (18 - 13 سال) در انواع خانواده ها 1998

(Source: Data form Federal Resere Board, Surey of Consumer Finance. (1998

تنها 45 درصد از کودکان 13-18 ساله، با پدر و مادر واقعی خود زندگی می کنند. حدود 25 درصد آنها در خانواده هایی زندگی می کنند که پدر و مادر وجود دارد، اما یکی از آنان پدرخوانده یا مادرخوانده است و حدود 24 درصد از بچه های نوجوان در انواع متفاوتی از خانواده های تک والدی زندگی می کنند و تقریباً 7 درصد در خانواده ای زندگی می کنند که یکی از والدین آنها با یک هم خانه ای بدون ازدواج بسر می برد و یا با یک دوست پسر یا دوست دختر پدر یا مادر زندگی می کند.

نمودار (2): میزان سوءاستفاده فیزیکی در بین کودکان انواع خانواده ها 1994

Source: Heritge analysis of British data based on comparatie Risk Ratios for senous Abuse 1982-1988 in Robert Whelan, Broken Homes and Battered children, Family Education. Just United Kingdom 1994. No similar data ailable for the United States

کودکی که به تنهایی با مادر خود زندگی می کند، نسبت به کودکی که با پدر و مادر واقعی (مزدوج رسمی) زندگی می کند، 14 برابر بیشتر در معرض سوء استفاده فیزیکی قرار دارد. کودکی که مادرش با مردی که پدر بچه نیست، زندگی می کند، نسبت به کودکی که با پدر و مادر واقعی زندگی می کند، 33 بار بیشتر در معرض سوء استفاده فیزیکی قرار دارد.

نمودار(3) : میزان رشد ولادت های خارج از ازدواج رسمی و قانونی 1940-1990

Source: Centers for Disease control, National center for health statistics, Diision of ital Statistics.

میزان ولادت های خارج از ازدواج قانونی، 7 درصد آمار تمامی ولادت هایی است که در زمان بحران اقتصادی (اواسط دهه 1960) اتفاق افتاده است. اما در حال حاضر این رشد تا 33 درصد افزایش یافته است. تولدهای غیر از راه ازدواج قانونی، به میزان بیش از 3/1 تمامی کودکانی است که به دنیا می آیند.

نمودار (4): میزان ارتکاب جرم و جنایت در بین افراد پرورش یافته در انواع خانواده ها 1998

Source: Cynthia Harper and Sara Mclanahan "Father Absence and Youth incarceration" Paper Persented at the annual meeting of the American Sociological Association in Sun Francisco, August 1998, Data from the National longitudinal surey of youth

افرادی که در خانواده تک والدی (مادر سرپرست) بزرگ شده اند، نسبت به کسانی که در خانواده ای با پدر و مادر واقعی و رسمی بزرگ شده اند، دو برابر بیش تر به زندان می روند.

افرادی که در وضعیت پدرخواندگی یا مادرخواندگی بزرگ شده اند، نسبت به اشخاصی که در یک خانواده ازدواج کرده رسمی زندگی کرده اند، سه برابر بیش تر در زندان بسر می برند.

افرادی که با پدر خود و با نامادری بزرگ شده اند، نسبت به آنانی که در یک خانواده ای با پدر و مادر واقعی و ازدواج کرده رسمی زندگی کرده اند، چهار برابر بیشتر به زندان می روند.

نمودار (5): میزان عدم موفقیت تحصیلی کودکان در انواع خانواده ها 1991

Source: Deborah A.Dawson. "Family structure and children's health and well bing: Data from the 1988, National health interview surey of child health" Journal of marriage and the family, ol 53 (Agust 1991).pp.573-584

بچه های مادران مطلقه و بچه های خانواده های فرزندخوانده، دو برابر بیش از کودکان خانواده های سالم (با والدین واقعی و دارای ازدواج رسمی) در معرض مردودی در مدرسه و تکرار در یک پایه تحصیلی قرار دارند. کودکانی که توسط مادران هرگز ازدواج نکرده، بزرگ شده اند، نسبت به کودکان خانواده مزدوج سالم دو برابر بیشتر، یک پایه تحصیلی را مجدداً می گذرانند.

نمودار (6): میزان افسردگی در بین کودکان انواع خانواده ها 1996

.Source: National longitudinal survey of Adolescent health, wave II, 1996

نوجوانانی که مادرشان هرگز ازدواج نکرده و یا به طور مجرد زندگی می کنند، غالباً در برابر نوجوانانی که در خانواده های سالم و واقعی (با پدر و مادر) زندگی می کنند، بیشتر غمگین و افسرده می شوند.

نمودار (7): میزان مشکلات شناختی و رفتاری کودکان انواع خانواده ها 1981

Source: Heritage based on Nicholas Zill, National health interview survey. Child health supplements 1981. This is Supplements longer produced

بچه های خانواده های تک والدی، نسبت به بچه هایی که در خانواده هایی با پدر و مادر واقعی زندگی می کنند، به طور خیلی جدی مشکلات شناختی و رفتاری دارند.

میزان تأخیر در رشد، در بین کودکان خانواده های دو والدینی نصف کودکانی است که در خانواده های تک والدی زندگی می کنند. کودکان خانواده های تک والدی نسبت به کودکان خانواده های دو والدینی، دو برابر بیشتر مشکلات احساسی و رفتاری دارند.

نمودار (8): میزان انواع مشکلات رفتاری در بین کودکان انواع خانواده ها 1996

.Source: National longitudinal survey of youth, 1996

نمودار (9) : میزان استفاده از ماری جوآنا در بین جوانان انواع خانواده ها 1995

.Source: National longitudinal survey of Adolescent health, wave II, 1995

نوجوانانی که در خانواده های سالم مزدوج زندگی می کنند، به میزان کمتری از ماری جوآنا استفاده می کنند و نوجوانانی که از خانواده های طلاق هستند، دو برابر نوجوانان خانواده های سالم مزدوج، از ماری جوآنا استفاده می کنند.

نمودار (10): میزان مصرف سیگار در بین نوجوانان انواع خانواده ها 1995

.Source: National longitudinal survey of Adolescent health, wave I, 1995

نوجوانان خانواده های طلاق بیشتر گرایش به مصرف و اعتیاد سیگار دارند.

نمودار (11): میزان حمل اسلحه و اعتیاد به مواد مخدر در بین نوجوانان در انواع خانواده ها 1996

.Source: National longitudinal survey of Adolescent health, wave II, 1996

نوجوانان خانواده های طلاق و خانواده های هرگز ازدواج نکرده، سه برابر بیشتر از دیگران، به حمل اسلحه و استفاده از مواد مخدر مبادرت می ورزند.

نمودار (12): میزان سطح بهداشت نوجوانان در انواع خانواده ها 1995

.Source: National longitudinal survey of Adolescent health, wave I, 1995

نوجوانانی که توسط پدر و مادر و در یک خانواده مزدوج سالم پرورش یافته اند، از بالاترین درجه سلامت برخوردارند. گزارش فقدان و کمبود سلامتی و بهداشت نوجوانان خانواده های طلاق و ازدواج نکرده، دو برابر

نوجوانانی است که از خانواده های سالم هستند.

نمودار(13): میزان فعالیت های جنسی نوجوانان انواع خانواده ها 1995

.Source: Natinal longitudinal surey of Adolescent health, wae II, 1995

در بررسی ملی نوجوانان، آنها در پاسخ به این سؤال که: «صرف نظر از اینکه شما خودتان بچه داشته باشید یا خیر، تصور می کنید که در آینده ازدواج نکرده باقی می مانید یا نه؟» نوجوانان خانواده های مزدوج، کمتر از بقیه تمایل داشتند که بچه ای را خارج از چارچوب ازدواج داشته باشند.

سخن نهایی

در طی قرن های متمادی، خانواده سنتی شامل پدر و مادر، ساختار ضروری و مناسبی برای پرورش فرزندان و استحکام جامعه بود و درحقیقت، معیار اصلی، همواره خانواده طبیعی بوده است. اما امروزه خانواده دو والدی نه تنها به عنوان یک یادگار و اثر از زمان گذشته تلقی نمی شود، بلکه به نظر می رسد که برخی افراد آن را مانع رشد روشنفکری و آزادیخواهی در جامعه می دانند. فمینیست های افراطی و همجنسگرایان، دو گروهی هستند که سرسختانه درصدد تحقیر خانواده سنتی و ایجاد قالبی نو برای خانواده و باز تعریف آن می باشند. (www.family.org)

دنیای سرگرم کننده امروز، سعی دارد که افراد را متقاعد کند که راه نیل به استعدادهای انسان و کسب آزادی، مبتنی بر انکار تمام قواعد مذهبی و اخلاقی است. آنچه امروز به عنوان مفهوم عقل و دانایی رایج شده است، آزادی انتخاب، بدون توجه به محدودیت های اخلاقی است. اما آیا چنین مجوزی، حقیقتاً آزادی را به ارمغان می آورد؟ این مسئله در مورد فرزندان چگونه خواهد بود؟ آیا تمامی انواع روش های زندگی برای کودکان دارای ارزش یکسانی است؟

تعدادی از تحقیقات اخیر نشان می دهند که همه انواع روش های زندگی برای بچه ها مناسب نیستند و در بهترین حالت ممکن، آسایش عمومی و همه جانبه کودکان و بزرگسالان زمانی است که آنان در یک ترکیب خانوادگی دو والدی و در خانه ای سنتی و با ازدواج رسمی زندگی کنند. آرماند نیچولی [22] پروفیسور و روانپزشک دانشکده پزشکی هاروارد، با بیش از چهل سال تحقیقات در این مورد بیان می کند: «بارها و بارها در این تحقیقات اثبات شده است که رشد احساسات کودک ارتباط بسیار نزدیک، تنگاتنگ، قوی و پیوسته و مداوم با حضور «هر دو» والد دارد.» وی بیان می دارد «رفتاری که امروزه در برابر غیبت یکی از والدین در جامعه انجام می شود، به برخورد افراد در برابر سیگار کشیدن شباهت دارد. آمریکائی ها برای دهه های متوالی به تحقیقاتی که نشانگر اثرات منفی استعمال دخانیات بود، بی توجه بودند. به نظر می رسد که جامعه امروز نیز پذیرای برخی اطلاعات است و به دریافت اطلاعاتی در مورد تغییر و تبدیل های اساسی در روش های زندگی، کمتر تمایل نشان می دهد.» (www.family.org)

جوامع مدرن اکنون با معضل تضعیف انسجام اجتماعی مواجهند. دلیل عمده این امر، از هم پاشیدگی خانواده ها، در سطح بسیار وسیعی می باشد. همان طور که خانواده ها از هم پاشیده می شوند؛ دموکراسی های مدرن

نیز در خطر فزاینده ای قرار می گیرند. به اعتقاد باربارا دافو وایت هد [23] خانواده به عنوان بستر تقوی و پرهیزگاری، لازمة کشوری آزادیخواه است. خانواده، مسئل آموزش درس های استقلال، خودداری، احساس مسئولیت و رفتار صحیح است، زیرا خانواده، لازمة جامعه آزاد و دموکراتیک است، اگر خانواده در انجام این وظائف موفق نباشد، اجرای دموکراتیک، به مخاطره می افتد. «وظیفه مهم و ضروری امروز، بازسازی و احیای ازدواج و خانواده است. تا زمانی که این کار انجام نشود، تمام تلاش ها برای جلوگیری از تجزیه جامعه محکوم به فنا خواهد بود. اکنون ما به خاطر فرزندانمان، به بازسازی خانواده که در این مسائل محاصره شده است، نیاز داریم و باید همه ما تلاش کنیم. (Ibid)

تحقیقات مختلف بر روی اثرات زندگی کودکان در انواع خانواده ها، محققان را بر آن داشت تا برای سلامتی و رفاه خانواده های تک والد و فرزندانیشان در آینده سیاست های اصولی را تدوین نمایند، به همین جهت مرکز مطالعات خانواده دانشگاه ویسکانسین [24] (1993) روش ها و سیاست هایی را برای خانواده ارائه کرده که به قرار ذیل است:

افزایش استحکام پایداری و ثبات خانواده های دو والدی و ترفیع کیفیت ازدواج از طریق برنامه های آموزش قبل از ازدواج برای ارزیابی از خود

ارائه آموزش مهارت های ارتباطی زن و شوهر برای استحکام آن.

آموزش هایی ویژه وظایف پدری و مادری در مدارس ابتدایی، کالج ها، کلیساها و کلاس های وکالت برای والدین مطلقه

افزایش و تقویت حمایت و دفاع از کودکان، حمایت از هزینه های مربوط به کودکان و بهبود و اصلاح رفاه اجتماعی و کیفیت مراقبت از کودکان

ارائه برنامه های آموزشی برای کارمندان، درباره مکان های شغلی خاص تک والدی ها جهت ایجاد توازن بین تضادهای نقش شغلی و خانوادگی

آموزش و تربیت رهبران جامعه در جهت قانونگذاری در راستای ایجاد تغییرات مثبت در روابط اعضای خانواده (www.hec.ohio-state.edu)

فهرست منابع

[1] - Mcloyd, C. (1990).

[2] - Daid Popenoe

[3] - Rutgers University

[4] - McLanahan, S. & Sandefur, G. (1994).

[5] - McLanahan, S. & Bumpass, L. (1988).

[6] - Bruce Copeland

[7] - Bethesda

- [8] - Mott.F.L (1994).
- [9] - Biller, H.B. (1974).
- [10] - Broude, GJ.(1990).
- [11] - Cornel Uniersity.
- [12] - Hanry Ric ciuti.
- [13] -Broman Nichols & Kennedy (1975).
- [14] - Growing up with a single parenthood (1994)
- [15] - anderbilt Uniersity.
- [16] - Weitoft
- [17] - The lancet
- [18] - William Galston
- [19] - Uniersity of Maryland
- [20] - تمام نمودارها در آدرس ذیل هم قابل دسترسی می باشد:
- <http://www.heritage.org/Research/Features/Marriage/Children>.
- [21] - The U.S.census.Bureau.
- [22] - Armand Nicholi.
- [23] - Barbara Dafoe Whitehead
- [24] - The uniersity of wisconsin's center for family studies